

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی- پژوهشی)

سال سوم، شماره (۱۱)، پاییز ۱۳۹۳، صص ۴۸-۳۱

اصلاحات سیاسی در بحرین (ریشه‌ها، روندها و نتایج) (۲۰۱۳-۱۹۹۹)

فرهاد درویشی سه تالانی*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

علی محمدی

دانش آموخته ارشد علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)

چکیده

اعتراضات سیاسی مردم کشور بحرین علیه حکومت، دارای سابقه‌ای طولانی است و عمری به درازی استیلاي خانان حاکم آل خلیفه بر این کشور دارد. این اعتراضات در سال ۲۰۱۱ با خیزش گسترده مردم، وارد مرحله تازه‌ای شد که گستردگی و شدت فراوان دامنه این اعتراضات نشان‌دهنده خستگی مردم این کشور از ساختار سیاسی بسته و استبدادی، تبعیض مذهبی، نداشتن آزادی و انجام ندادن اصلاحات واقعی سیاسی در بحرین توسط رژیم حکومتی آل خلیفه است. این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش است که موفق نبودن اصلاحات سیاسی در بحرین چه دلایلی دارد؟ در این مقاله که برای بررسی داده‌های آن از روش تحلیلی-توصیفی استفاده شده است، سیستم قبیله‌ای و بسته بودن ساختار سیاسی رژیم بحرین، شکاف گسترده مذهبی، حمایت همه جانبه عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از حکومت بحرین و ملاحظات امریکا در حمایت از رژیم آل خلیفه به عنوان یک متحد استراتژیک، دلایل انجام نشدن اصلاحات سیاسی در این کشور دانسته شده‌اند.

واژگان کلیدی: اصلاحات سیاسی، بحرین، شیعیان، شورای همکاری خلیج فارس.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۷/۱۴

مقدمه

کشور کوچک بحرین در حاشیه جنوبی خلیج فارس، با توجه به ماهیت استبدادی و سیستم بسته و سنتی حکومت در این کشور، از قدیم‌الایام شاهد اعتراض و شورش مردم این کشور علیه شیوه حکومت و حکام مستبد بوده است. اعتراضات به سیاست‌های رژیم آل خلیفه از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ کشور بحرین را دچار بحران سیاسی جدی و عمیقی کرده است که تاکنون هیچ‌یک از کشورهای «شورای همکاری خلیج فارس» (Persian Gulf Cooperation Council (PGCC)) آن را تجربه نکرده‌اند.

نگاهی به گذشته سیاسی کشور بحرین نشان می‌دهد که شرایط و ساختار سیاسی و روابط خاص دولت و جامعه در بحرین و به‌ویژه رویکرد رژیم سیاسی خاندان آل خلیفه، زمینه‌ساز هرگونه تحول و اعتراضات مردمی در این کشور است. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۹) جنبش‌های سیاسی - اجتماعی بحرین، اگرچه در شرایط زمانی متعددی رخ داده‌اند، یعنی تاریخچه نسبتاً طولانی دارند، اما کم و بیش دارای اهداف و خواسته‌های یکسانی بوده‌اند که عبارت‌اند از: اجرای اصلاحات سیاسی - اقتصادی؛ پرداختن به ارزش‌های اسلامی؛ عمل به قانون اساسی و احیای مجلس انتخابی؛ آزادی سیاسی و ایجاد فضای باز سیاسی وغیره. (بحرینی، ۱۳۸۱: ۱۱۴ و ۱۱۵)

شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه در سال ۱۹۹۹ به قدرت رسید و وعده‌هایی را برای اصلاحات (Reforms) در بحرین داد و در این راستا با رهبران معارضان که در زندان بودند گفت‌وگو کرد، مطابق این گفت‌وگوها مقرر شد با همکاری گروه‌های مختلف به‌خصوص شیعیان، میثاق ملی با محورهای زیر به همه‌پرسی گذاشته شود: آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تبعیدی‌ها، تعلیق قانون حالت فوق‌العاده، تأسیس پارلمان و عمل به قانون اساسی مصوب سال ۱۹۷۳. میثاق ملی در سال ۲۰۰۰ میلادی به رأی گذاشته شد که با ۹۸/۴ آرای مثبت مردم لازم‌الاجرا شد. این میثاق متضمن اصلاحات سیاسی از جمله تغییر نظام امیری به پادشاهی مشروطه (Constitutional Monarchy)، تشکیل مجلس انتخابی و برگزاری انتخابات آزاد بود و در همین راستا کمیته‌ای به ریاست ولیعهد این کشور برای نظارت بر اجرای قانون اساسی و منشور ملی این کشور تشکیل شد. (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۲۲)

با وجود اینکه پادشاه بحرین در راستای اجرای اصلاحات، دستور به تشکیل مجلس نمایندگان و مجلس مشورتی داد، ولی قائل بودن حق انحلال مجلسین برای خود و پیش گرفتن رویه استبدادی امیران گذشته، صوری بودن اصلاحات و ماهیت دیکتاتوری رژیم خود را برای مردم محرز کرد و باعث سرخوردگی مردم بحرین از اصلاحات وعده داده شده گردید. همین موضوع در طول این سالیان اعتراضات نسبت به رژیم آل خلیفه را بیشتر کرد و همان‌طور که در ابتدا گفته شد از ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، اعتراضات مردمی شکل گسترده‌ای یافت. نگاه و رفتار رژیم

بحرین نسبت به این خیزش مردمی، با آنکه در ابتدا تا حدودی مسالمت‌آمیز بود، ولی از مارس ۲۰۱۱ شکل سرکوب‌گرانه به خود گرفت که باعث تشدید اعتراضات شد.

حکومت آل خلیفه در مواجهه با فشارهای بین‌المللی و با توجه به کاهش پرستیژ و سطح مشروعیت خود با لغو وضعیت اضطراری، با تعیین رئیس پارلمان به عنوان نماینده پادشاه، برگزاری گفت‌وگوهای توافق ملی با حضور گروه‌های مختلف بحرینی برای حل و فصل بحران سیاسی در این کشور را اعلام کرد، اما به دلیل آنکه هدف حکومت انجام گفت‌وگوهای واقعی برای ایجاد اصلاحات و برآورده ساختن مطالبات مخالفان نبود و هدف اصلی بهبود پرستیژ بین‌المللی آل خلیفه در سطح جهانی بود، این گفت‌وگوها به نتایج مفید و اقداماتی اصلاحی برای حل بحران سیاسی نرسید. بر این اساس بحران در بحرین همچنان تداوم دارد و اصلاحات سیاسی واقعی به عنوان عمده‌ترین راهکار حل بحران با موانع و چالش‌های جدی روبه‌روست. دلایل و عوامل مختلفی که ریشه‌ای تاریخی نیز دارند موجب انجام نشدن اصلاحات واقعی سیاسی در این کشور شده است. در این مقاله سعی شده است که به ترتیب به بررسی عوامل داخلی و خارجی که در موفق نشدن اصلاحات سیاسی در بحرین نقش داشته‌اند، پرداخته شود. در این مقاله پس از مقدمه و چهارچوب نظری تحقیق، با توجه به موضوع، عوامل مؤثر بر موفق نشدن اصلاحات سیاسی (Political Reforms) در بحرین را بررسی کرده‌ایم که در بخش اول کلیاتی در مورد بحرین، در بخش دوم پیشینه تاریخی اختلافات دولت با مردم و در بخش اصلی که به بررسی عوامل ناکامی اصلاحات سیاسی در بحرین پرداخته شده است، موضوع در سه بخش عوامل داخلی، شورای همکاری خلیج فارس با تأکید بر عربستان و نقش کشور آمریکا، مورد بررسی قرار گرفته است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

در سه سال اخیر کشورهای عربی شاهد اوج گرفتن ناآرامی‌ها و جنبش‌های دموکراسی خواهانه بوده‌اند که در بعضی از آن کشورها مانند تونس، مصر و لیبی به ساقط شدن دولت‌های دیکتاتوری در این کشورها منجر شده است و در بعضی دیگر شرایط همچنان بحرانی به نظر می‌رسد. در این میان، تحولات کشور بحرین به دلیل ویژگی‌های خاص (رابطه نزدیک حکومت این کشور با آمریکا و عربستان، تقابل بین ایران و این کشورها، قرار گرفتن ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین، اکثریت جمعیت شیعیان بحرین) اهمیت فراوانی دارد که ممکن است با توجه به شرایط ذکر شده، موجب تغییر در معادله قدرت شود و با توجه به ذی‌نفعی اکثر قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این بحران، باعث تغییر و برهم خوردن شرایط موجود شده، ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی گسترده‌ای را در پی داشته باشد.

سؤال و فرضیه

سؤال اصلی این پژوهش بر این قرار است که: موفق نشدن اصلاحات سیاسی در بحرین چه دلایلی دارد؟ سؤال اصلی به سؤالات جزئی‌تری نیز تقسیم شده است: عوامل درونی موفق نشدن اصلاحات سیاسی در بحرین چیست؟ و عوامل خارجی مؤثر بر موفق نشدن اصلاحات سیاسی در بحرین چیست؟ فرضیه‌ای که به آزمون گذاشته شده است بر این قرار است که: سیستم قبیله‌ای و بسته بودن ساختار سیاسی رژیم بحرین، شکاف گسترده مذهبی، حمایت همه‌جانبه عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از حکومت بحرین و ملاحظات امریکا در حمایت از رژیم آل‌خلیفه به عنوان یک متحد استراتژیک، موجب انجام نشدن اصلاحات سیاسی در این کشور شده است.

چهار چوب نظری

در کشورهایی با ساختار بسته سیاسی که حکومت آن‌ها سنتی و حالت قبیله‌ای دارد و تصمیم‌گیرنده اصلی در مورد مسائل کشور، شخص اول حکومت و عده معدود اطرافیان وی هستند که هسته اصلی قدرت را تشکیل می‌دهند و اجازه ورود دیگر گروه‌ها را به ساختار سیاسی نمی‌دهند، اصلاحات، موضوعی است که به آن بی‌توجهی شده و همیشه از خواسته‌های اصلی مردم این کشورها برای مشارکت در ابعاد مختلف اجرایی و تصمیم‌گیری کشورشان بوده است. به گفته آلبرت هیرشمن (Albert Hirschman)، اصلاحات، دگرگونی است که در آن، قدرت گروه‌های تاکنون ممتاز کاسته می‌شود و جایگاه اقتصادی و منزلت اجتماعی گروه‌های نامممتاز بالا می‌رود. اصلاحات به معنای دگرگونی برای تأمین برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیشتر و گسترش دامنه اشتراک سیاسی در جامعه است. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۹۸)

ساموئل هانتینگتون (Samuel P. Huntington) در کتاب (سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی) معتقد است که یک نظام سیاسی برای آنکه از عهده نوسازی (Modernization) با موفقیت برآید، نخست باید سیاستی را بدعت گذارد تا بر پایه آن، اصلاح اجتماعی و اقتصادی را با عمل دولتی به پیش برد. اصلاح در اینجا به معنی دگرگون‌سازی ارزش‌های سنتی و الگوهای رفتاری، گسترش ارتباطات و آموزش، گسترش دامنه وفاداری از خانواده، دهکده و قبیله به ملت، دنیوی ساختن زندگی عمومی، عقلانی کردن ساختارهای اقتدار، پایه‌گذاری سازمان‌های کارکردی ویژه، جایگزین ساختن معیارهای دستاوردی به جای معیارهای انتسابی و روی آوردن به یک نظام برابانه‌تر توزیع منابع مادی و نمادین است. دومین شرط نوسازی برای یک نظام سیاسی این است که توانایی آن را داشته باشد که نیروهای اجتماعی مولد نوسازی را به شایستگی به درون نظام جذب کند و آگاهی اجتماعی نوینی را به عنوان پیامد نوسازی به بار آورد. (۲۰۵: ۱۳۷۰)

در هیچ جامعه‌ای، اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهم بدون خشونت یا احتمال قریب‌الوقوع انقلاب، رخ نمی‌دهد. خشونت به نسبت غیرمتمرکز و خودجوش، وسیله عامی است که گروه‌های محروم با توسل به آن، توجه جامعه را به گلایه‌ها و درخواست‌های اصلاحی‌شان جلب می‌کنند. (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۱۵) کارایی خشونت در پیشبرد اصلاحات، کاملاً بستگی به آن دارد که این خشونت‌ها تا چه اندازه تحرک گروه‌های تازه را به صحنه سیاست و کاربرد شگردهای سیاسی نوین را بشارت می‌دهند. (همان: ص ۵۱۷)

برینگتن مور، (Barrington Moore) پیدایش و رشد دموکراسی را کشاکشی طولانی و ناتمام برای دستیابی به سه هدف می‌داند: ۱. محدود کردن قدرت حکام خودکامه ۲. نهادن قوانین و مقررات عقلایی و عادلانه به جای مقررات خودسرانه ۳. سهیم شدن طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیری‌ها. (۱۳۶۹: ۹)

بحث تئوریک ما در مورد اصلاحات سیاسی و تغییر ساختار جوامع توسعه‌نیافته و چگونگی مقاومت حکومت‌های خودکامه و قبیله‌ای در مقابل اصلاحات است. با توجه به این موضوع، هدف ما این است که با توجه به بحث تئوریک ذکرشده، نشان دهیم که جامعه بحرین با توجه به حکومت بسته، خودکامه و سنتی آل‌خلیفه بحرین چگونه نتوانسته است مسیر اصلاحات سیاسی و تغییر در چهارچوب حکومت یکنواخت و خودکامه را در پیش روی خود ببیند.

کلیاتی در مورد بحرین

کشور مجمع‌الجزایری بحرین (Bahrain) متشکل از ۳۵ جزیره بزرگ و کوچک و با وسعتی معادل ۶۹۵ کیلومتر مربع در منطقه خاورمیانه (The Middle East) ناحیه خلیج فارس قرار گرفته است. جمعیت این کشور طبق آمار بانک مرکزی بحرین در سال ۲۰۰۸ معادل ۱۱۲۶۲۶۷ نفر برآورد شده است که حدود یک سوم آن را خارجی‌ها تشکیل می‌دهند. اکثریت جمعیت بحرین اعراب و پس از آن ایرانی‌ها هستند. بحرین کوچک‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشور خلیج فارس است، اما نزدیکی آن به سواحل ایران و اکتشاف نفت بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیک آن افزوده است. (کتاب سبز بحرین، ۱۳۸۸: ۳ و ۱۱) دین رسمی کشور بحرین اسلام است. حدود ۸۱،۲ درصد از ساکنان بحرین مسلمان و ۹ درصد نیز مسیحی هستند. جمعیت غیرمسلمان بحرین از خارجی‌هایی هستند که برای کار به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. در مورد میزان جمعیت شیعیان در بحرین آمارهای مختلفی بیان شده است که ۷۰ تا ۸۵ درصد جمعیت کل مسلمانان را شامل می‌شود. (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۱۹) بقیه جمعیت مسلمانان نیز سنی‌ها هستند که از لحاظ جمعیتی اقلیت محسوب می‌شوند. بحرین که از مدت زمانی طولانی تحت حاکمیت و جزئی از خاک ایران بود در سال ۱۹۷۱ توانست با حمایت کامل انگلیس به طور کامل از ایران جدا و به استقلال برسد.

ماهیت رژیم سیاسی بحرین، پادشاهی مشروطه است. مطابق با قانون اساسی این کشور، ظاهراً قوای سه‌گانه مستقل بوده، مجاز به اعمال نفوذ در وظایف و اختیارات یکدیگر نیستند؛ اما در عمل تمامی سه قوه زیر نظر مستقیم امیر بحرین قرار دارد که همراه با ولیعهد و نخست‌وزیر (که خود انتخاب می‌کند) بر کشور حکمرانی می‌کنند. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۴۹)

جنبش‌های سیاسی - اجتماعی مردم بحرین

تقابل میان مردم بحرین و آل‌خلیفه قدمتی به درازای تسلط این خاندان بر کشور بحرین دارد، سدیدالسلطنه دو دلیل برای این مخالفت بیان کرده است؛ یکی اینکه خاندان آل‌خلیفه بحرینی نیستند، بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجری هستند که از کویت وارد بحرین شده‌اند و دیگری اینکه به قدرت رسیدن خاندان آل‌خلیفه بر اساس خواست و رضایت مردم صورت نگرفته، بلکه آل‌خلیفه در قبال قبول دو شرط پرداخت مالیات به ایران و باقی ماندن در تحت‌الحمایگی ایران، قدرت بحرین را در دست گرفته و با پذیرش تحت‌الحمایگی انگلیس در سال ۱۱۹۹ ه.ش/ ۱۸۲۰ م، قدرت را حفظ کرده است. (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۶۰)

جنبش‌های سیاسی-اجتماعی مردم بحرین در حقیقت از زمانی آغاز شد که استعمار انگلستان رسماً در سال ۱۸۹۲ سلطه کامل استعماری خود را بر این سرزمین برقرار کرد. نخستین سرکشی و قیام عمومی مردم بحرین در مارس ۱۸۹۵ بر ضد شیخ عیسی بن علی رخ داد. شیخ عیسی نخستین حاکم آل‌خلیفه در بحرین بود که بدون هیچ‌گونه ارتباط با ایران بر آن سرزمین حکومت می‌کرد. در آن هنگام نماینده سیاسی انگلستان، سرهنگ آرنولد ویلسون، (Arnold Wilson) از مسقط وارد بحرین شد. ابتکارات سرهنگ ویلسن منجر به مهاجرت قیام‌کنندگان در محرم ۱۳۱۳ به زبارة در شمال باختری شبه‌جزیره قطر شد. (کتاب سبز بحرین، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

بعد از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱، اولین زورآزمایی با حکومت در آگوست ۱۹۷۹ انجام گرفت؛ بیش از ۱۸۰۰ نفر از شیعیان بحرین در بازار قدیمی پایتخت، شهر منامه، دست به تظاهرات وسیعی زدند. واکنش دولت در قبال این تظاهرات، اخراج شیخی شیعی به نام «سید هادی مدرسی» در اکتبر همان سال بود. مدرسی و اطرافیانش، همگی به اتهام مأمور نفوذی ایران بازداشت شدند و پس از شکنجه از بحرین تبعید شدند، درحالی‌که خود آن بحرینی‌ها می‌گفتند در پی احیای مجلس منحل‌شده و احیای حقوق حقه خویش به عنوان یک شهروند بحرینی بودند. (فاضلی نیا، ۱۳۸۶: ۱۵۸)

در ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱ بحرین و عربستان اعلام کردند که ۶۵ توطئه‌گر شیعه را که توسط مدرسی در ایران آموزش دیده‌اند، دستگیر کرده‌اند. این حادثه نگرانی جدی بحرین و عربستان را برانگیخت و به عقد یک پیمان امنیتی مشترک در ۲۰ دسامبر ۱۹۸۱ منجر شد. (دکمجیان، ۱۳۸۳: ۲۸۷)

در مجموع، تا قبل از به حکومت رسیدن شیخ حمد بن عیسی حاکم کنونی بحرین، معترضان بحرینی در وضعیت بسیار بدی به سر می‌بردند و هرگونه تحرک از جانب آن‌ها به شدت سرکوب می‌شد.

شیخ حمد بن عیسی آل‌خلیفه با قول‌هایی برای اصلاحات سیاسی به قدرت رسید. ایشان بر اساس همین وعده با رهبران معارضان که در زندان به سر می‌بردند به گفت‌وگو پرداخت. رهبران معارضان عبارت بودند از: شیخ عبدالامیر جمری، عبدالوهاب حسین دبیر کل حرکت الوفاق اسلامی و حسن مشیمع دبیر کل جنبش حق. (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۲۲)

مطابق این گفت‌وگوها مقرر شد با همکاری گروه‌های مختلف به‌خصوص شیعیان، میثاق ملی با محورهای زیر به همه‌پرسی گذاشته شود: آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تبعیدی‌ها، تعلیق قانون حالت فوق‌العاده، تأسیس پارلمان و عمل به قانون اساسی مصوب سال ۱۹۷۳. بر این اساس میثاق ملی در سال ۲۰۰۰ میلادی به رأی گذاشته شد که با ۹۸/۴ آرای مثبت مردم لازم‌الاجرا شد. میثاق ملی بحرین متضمن اصلاحات سیاسی از جمله تغییر نظام امیری به پادشاهی مشروطه، تشکیل مجلس انتخابی و برگزاری انتخابات آزاد بود و در همین راستا کمیته‌ای به ریاست ولیعهد این کشور برای نظارت بر اجرای قانون اساسی و منشور ملی این کشور تشکیل شد. (همان: ۲۲)

یک سال پس از همه‌پرسی منشور ملی، شیخ حمد خود را پادشاه و نظام سیاسی بحرین را مشروطه سلطنتی اعلام کرد. قانون اساسی جدید این کشور در سال ۲۰۰۲ نوشته شد و در آن صلاحیت‌های مجلس نمایندگان این کشور نسبت به مجلس دهه ۱۹۷۰ کاهش پیدا کرد. امتیازات و اختیارات خاندان حاکم در قانون اساسی جدید مورد تأکید قرار گرفت و عزل و نصب وزراء، قضات و فرماندهان نظامی و نمایندگان و رئیس مجلس شورا (سنا) در حیطه اختیارات حاکم باقی ماند. به اضافه، تأسیس یک مجلس شورای انتصابی در کنار مجلس نمایندگان انتخابی پیش‌بینی شد. از ترکیب دو مجلس شورا و نمایندگان، عالی‌ترین نهاد تقنینی با عنوان مجلس ملی (با اختیارات محدود) جایگزین مجلس منتخب دهه ۱۹۷۰ شد. شیعیان، پس از تصویب این قانون توسط پادشاه، تا حدودی سرخورده‌شده و خوش‌بینی اولیه خود را از دست دادند. (فرازمند، ۱۳۸۸: ۵۸) به این ترتیب، باز هم مشخص شد که اصلاحات وعده داده‌شده صوری بوده و توجهی به خواست اکثریت نداشته است و روال گذشته همچنان ادامه دارد.

بررسی عوامل ناکامی اصلاحات سیاسی در بحرین

انجام شدن یا انجام نشدن اصلاحات سیاسی، موضوعی است که ممکن است دلایل و پیش-زمینه‌های مختلفی داشته باشد. مطالعه و بررسی وضعیت سیاسی جامعه بحرین نشان‌دهنده عقب‌ماندگی سیاسی این کشور است و صحبت‌ها و تلاش‌ها برای انجام اصلاحات و بهبود

وضعیت سیاسی کشور بحرین ثمربخش نبوده و کماکان ساختار قبیله‌ای، تک‌قطبی و سنتی بر سیاست این کشور حاکم است. برای بررسی عوامل دخیل در ایجاد این وضعیت، در دو سطح داخلی و خارجی به بررسی این موضوع پرداخته شده است.

الف: عوامل داخلی

در بررسی عوامل داخلی مؤثر بر موفق نشدن اصلاحات سیاسی در بحرین، به ترتیب به دو موضوع بسیار مؤثر بر ایجاد این شرایط یعنی «ساختار متصلب سیاسی» و «محرومیت و دور نگهداشتن اکثریت شیعه بحرین از ساختار سیاسی» پرداخته شده است.

ساختار متصلب سیاسی (The Rigid Structure Of Political)

ساختار متصلب سیاسی به ساختاری گفته می‌شود که در حکومتی، اکثر کارهای اجرایی و قانون‌گذاری در دست گروه اصلی قدرت قرار دارد و مردم و احزاب سیاسی نقشی در حکومت نداشته، توانایی تأثیرگذاری بر مقامات حکومتی را ندارند. در کشور بحرین نیز مانند دیگر کشورهایی که ساختار سیاسی بسته و غیردموکراتیک دارند، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی در دست عده‌ای خاص که همان خاندان آل خلیفه باشند قرار دارد.

اصلاحات، در واقع برنامه‌ای است برای اقدام ایجاد تجانس و سازگاری مجدد بین اجزای متشکله نظام و در هر حال از این تمایل مایه می‌گیرد که بخش‌هایی از ساختار اجتماعی کهنه حفظ شود و در روند اقدامات نیز از خشونت اجتناب شود. (قوام، ۱۳۷۰: ۱۲) اصلاحات از بهبودسازی رو به افزایش، نه از تغییرات بسیار اساسی مهیج، از پیشرفت تدریجی، نه از بازگشت اساسی، از تکامل و نه از انقلاب، پشتیبانی می‌کند. اصلاحات سیاسی از تغییراتی مانند گسترش حق رأی و اصلاح نهادی که درون ساختار قانونی موجود صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کند. (هیوود، ۱۳۸۸: ۵۳۳)

از حیث نوع نظامی که اصلاحات در آن صورت می‌گیرد، رژیم‌های بسته و اقتدارطلب را باید از رژیم‌های دموکراتیک جدا کرد. رژیم‌های اقتدارطلب از این حیث آسیب‌پذیرند و ممکن است اندکی اصلاحات، کنترل‌های رژیم را کم‌کم تضعیف کند و به تشویق و تقویت مخالفان نظام و احتمالاً سرانجام سرنگونی یا فروپاشی آن منجر شود. (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۸۷) ولی اصلاحات سیاسی در نظام‌های دموکراتیک به آسانی صورت می‌گیرد و بازآفرینی نقش‌ها و اصلاح مشکلات موجود، موجب بهبود روند ادامه حیات و پیشروی رضایت مردم و احزاب در یک کشور می‌شود.

کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس از لحاظ ساختار، کارکرد و شکل حکومت شباهت‌های بسیار زیادی به یکدیگر دارند، به گونه‌ای که اکثر آنان را می‌توان در وضعیتی تقریباً مشابه مورد بررسی قرار داد؛ ساختار بسته و سنتی حکومت، قبیله‌گرایی و روابط شخصی، فرهنگ سیاسی غیردموکراتیک، وجود نداشتن جامعه مدنی، وجود اقتصاد تک‌محصولی که منجر به استقلال

کامل دولت از جامعه شده است و بسیاری از موارد دیگر از مشخصه‌های آنان است. حکومت رژیم آل‌خلیفه در کشور بحرین نیز جزئی از همین نوع حکومت و دارای مشخصه‌هایی است که در بالا ذکر شد.

ده‌ها سال است که حکومت در اختیار خاندان آل‌خلیفه است. مرجع قوانین در بحرین شخص پادشاه است و قانون اساسی نیز در راستای تثبیت قدرت خاندان است. بیشتر مناصب حکومتی در دست خانواده حاکم است. این خانواده، دارای مزایا و امتیازات خاصی است. اعضای خانواده آل‌خلیفه، همواره در اخذ کارها و مقامات دولتی، مقدم بر دیگرانند و به هیچ‌روی به شایسته‌سالاری توجه نمی‌شود. (بحرانی، ۱۳۸۱: ۱۰۸) جمعیت آل‌خلیفه که بر بحرین حکومت می‌کنند حدود ۳۰۰۰ نفر هستند که تمام مناصب حکومتی را قبضه کرده‌اند، به گونه‌ای که غیر از منصب پادشاهی دیگر مناصب حکومتی نیز در اختیار آنها قرار دارد. در این میان، نخست-وزیر بحرین شیخ خلیفه بن سلمان آل‌خلیفه از سال ۱۹۷۱ تاکنون منصب نخست‌وزیری را بر عهده دارد و طی این سال‌ها، سرکوب مردم به دست ایشان انجام شده است. (هاشمی‌نسب، ۱۳۸۹: ۲۶)

به موجب قانون، قوای کشور به سه قسمت تقسیم می‌شود: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه. این سه قوه از یکدیگر جدا بوده، حق دخالت در امور یکدیگر را ندارند، ولی این ظاهر امر است و در واقعیت، شیخ بحرین حاکم علی‌الاطلاق است و بالاترین مرجع قانونی است و اوامر او در حکم قانون است و اعضای کابینه نخست‌وزیر به وسیله او انتخاب می‌شوند. امیر حق نصب و عزل هر مقام مملکتی را دارد و او در مقابل هیچ دستگاهی پاسخگو نیست. شیخ بحرین بر اساس قانون اساسی حق انحلال مجلس را نیز دارد.

در کشور پادشاهی بحرین احزاب سیاسی به شکل و ساختار متعارف آن که در کشورهای دمکراتیک معمول است حق فعالیت ندارند، اما گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در این کشور با دور زدن قانون ممنوعیت فعالیت احزاب اقدام به تشکیل جمعیت‌های سیاسی می‌کنند که برخلاف احزاب مجوز فعالیت خود را از وزارت دادگستری این کشور دریافت کرده است و به شکلی نیم‌بند به فعالیت سیاسی می‌پردازند. (خبرنامه دانشجویان ایران، ۱۳۹۱) خاندان حاکم به جای فراهم کردن زمینه مشارکت سیاسی، بر ائتلاف‌های غیررسمی که به برخی از گروه‌ها فرصت ابراز وجود در سایه نظام حاکم را می‌دهد، اتکا کرده است. بدون شک اتکا به چنین ائتلاف‌هایی به دسته‌بندی قبیله‌ای و طایفه‌ای در سطح وسیعی منجر شده است. (الزیدی، ۱۳۸۲: ۲۳ و ۲۴)

با این تفاسیر به آسانی می‌توان پی برد که ساختار حکومت در کشور بحرین که توسط خاندان آل‌خلیفه اداره می‌شود بسیار بسته و متصلب است که همین موضوع باعث به وجود آمدن یک

ساختار غیردموکراتیک شده و در این وضعیت نمی‌توان انتظار داشت که راه‌های مشارکت برای گروه‌های مختلف گشوده شده، اصلاحات سیاسی روند روبه‌رشدی را بپیماید.

دور نگر داشتن اکثریت شیعه از ساختار کشور بحرین

از آنجایی که حاکمیت بحرین در طول دهه‌های گذشته به سنی‌ها و به طور مشخص آل‌خلیفه اختصاص داشته است و از نظر جمعیتی، این گروه در اقلیت قرار دارد، این نگرانی در سنی‌ها وجود دارد که در نتیجه هرگونه اصلاحات دموکراتیک در این کشور، گروه‌های شیعه به تدریج به رأس هرم قدرت سیاسی دست پیدا کنند.

شیخ حمد بن عیسی در سال ۲۰۰۱ منشور (Publish) اصلاحاتی را با رأی ۹۸/۴ درصدی مردم به تصویب رساند. شیعیان امیدوار شدند که در پرتو این اصلاحات بتوانند به جایگاه سیاسی مهمی برسند و منشور ملی آغازی بر پایان دوره محرومیت سیاسی آنان باشد. (فرازمند، ۱۳۸۸: ص ۵۷) شیخ حمد برای تحقق وعده‌هایی که داده بود تغییراتی را به نفع شیعیان انجام داد. او در اوایل حکومتش هزاران زندانی سیاسی را آزاد و زندان‌هایی را که در آن‌ها شکنجه صورت می‌گرفت تعطیل کرد و به تبعیدیان اجازه داد تا به وطن خود بازگردند. شیخ حمد همچنین اجازه داد تا روزنامه‌های مخالف، گروه‌های حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی تأسیس و با یک آزادی نسبی فعالیت کنند. البته فعالیت احزاب سیاسی در این کشور همچنان ممنوع است، اما «انجمن‌های سیاسی» (Political Associations) به عنوان جایگزین آن‌ها در فعالیت هستند. سیاست خاندان حاکم بر بحرین مبنی بر دادن تابعیت بحرین به مهاجرین سنی مذهب کشورهای دیگر موجب افزایش ناخرسندی شیعیان بحرین و تظاهرات آن‌ها شد. (کوشکی و ناظرپور، ۱۳۸۹: ۱۶۸) یک سال پس از همه‌پرسی منشور ملی، حمد خود را پادشاه و نظام سیاسی بحرین را پادشاهی مشروطه خواند. قانون اساسی جدید این کشور در سال ۲۰۰۲ نوشته شد و در آن صلاحیت‌های مجلس نمایندگان این کشور نسبت به دهه ۱۹۷۰ کاهش یافت. امتیازات و اختیارات خاندان حاکم در قانون اساسی جدید مورد تأکید قرار گرفت و عزل و نصب وزرا، قضات و فرماندهان نظامی و نمایندگان و رئیس مجلس شورا، در حیطه اختیارات حاکم قرار گرفت. به اضافه تأسیس یک مجلس شورای انتصابی در کنار مجلس نمایندگان انتخابی پیش‌بینی شد. از ترکیب دو مجلس شورا و نمایندگان، عالی‌ترین نهاد تقنینی به عنوان مجلس ملی، جایگزین مجلس منتخب دهه ۱۹۷۰ شد. شیعیان پس از تصویب این قانون توسط پادشاه، تا حدودی سرخورده شده و خوش‌بینی اولیه خود را از دست دادند، به‌ویژه آنکه با روشن شدن قانون انتخابات مشخص شد که شیعیان قادر به احراز اکثریت کرسی‌های مجلس منتخب نخواهند بود. (فرازمند، ۱۳۸۸: ۵۸)

بر اساس گزارش سال ۲۰۰۳ مرکز حقوق بشر بحرین، از ۵۷۲ منصب عمومی و عالی، تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸ درصد و از ۴۷ منصب عالی در حد وزیر و مدیرکل، فقط ۱۰ منصب (۲۱ درصد) به شیعیان تعلق دارد. شیعیان در این نظام به هیچ‌وجه نمی‌توانند عهده‌دار

مناصب عالی حکومتی مانند وزارت کشور، خارجه، دادگستری و دفاع شوند. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۵۰)

شیعیان بحرین دولت این کشور را متهم می‌کنند که اجازه می‌دهد سنی‌های غیربحرینی، تابعیت این کشور را بپذیرند تا تعادل جمعیتی سنی- شیعه کشور را برهم بزند. البته مقامات رسمی بحرین وجود چنین تلاش‌هایی را انکار می‌کنند، اما شیعیان بر وجود چنین حقیقتی اصرار و تأکید دارند، سنیان بحرین که تحت نفوذ سلفیان قرار دارند و در اداره سیاسی این کشور دیدگاهی متصلبانه دارند، حتی در عرصه آموزش نیز ایجاد تنفر و دشمنی در مورد شیعیان را در دستور کار خود قرار دادند. برای مقابله با این القائات، رهبران سیاسی شیعه بحرین اعلام کردند در صورت استمرار اهانت به شیعیان در مدارس، از شرکت فرزندان خود در کلاس‌های تربیت اسلامی جلوگیری خواهند کرد. (شیعیان بحرین اکثریت خاموش، ۱۳۸۶) بین شیعیان و آل‌خلیفه دیوار بلند بی‌اعتمادی وجود دارد و البته اعتماد نکردن شیعیان به آل‌خلیفه به دلیل سنی بودن آن‌ها نیست، بلکه به خاطر سوء رفتار و مدیریت نامناسب آنان در طول تاریخ و تبعیض نارواست درحالی‌که بدبینی به شیعیان نزد خاندان حاکم به دلیل شیعه بودن و اصالت ایرانی آنان است. (فاتحی، ۱۳۹۰: ۹۸)

معترضان بحرینی همگی به نوعی خواستار برخی تغییرات ساختار سیاسی یا اصلاح امور عمومی بودند. اکثریت شیعه ضمن اعتراض به تبعیض، خواستار استقرار نظامی مبتنی بر رأی مردم و اقلیت سنی، ضمن پایبندی به حکومت، خواهان برخی اصلاحات سیاسی بود. (موسوی و میرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۰۹)

با توجه به اینکه شیعیان از اکثریت جمعیتی در بحرین برخوردارند و گروه‌های شیعی به‌خصوص الوفاق، از محبوبیت و نفوذ زیادی در جامعه بحرین برخوردارند، حاکمان بحرین تصور می‌کنند که انجام هرگونه اصلاحات واقعی سیاسی که به حضور واقعی و احترام گذاشتن به رأی اکثریت بینجامد، موجب این می‌شود که شیعیان به دلیل داشتن پایگاه مردمی به تدریج به رأس حاکمیت جامعه بحرین برسند.

ب: عوامل خارجی

بحرین به عنوان عضوی از گروه کشورهای «شورای همکاری خلیج فارس» رابطه نزدیک و تأثیرپذیری فراوانی از دیگر اعضای این گروه، به‌خصوص کشور عربستان دارد، در کنار رابطه نزدیک با این کشورها، حکومت آل‌خلیفه در بحرین همچنین رابطه نزدیک و تأثیرپذیری زیاد از کشور آمریکا دارد. در اینجا برای بررسی عوامل خارجی مؤثر بر موفق نشدن اصلاحات سیاسی در بحرین به ترتیب به بررسی نقش «شورای همکاری خلیج فارس» و «آمریکا» پرداخته خواهد شد.

کشورهای شورای همکاری خلیج فارس

رهبران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به خصوص عربستان، اصلاحات سیاسی و اعطای امتیاز به گروه‌های مخالف در بحرین را سرآغاز تحولات در سایر کشورهای خلیج فارس می‌دانند که حاکمیت اقتدارگرای آن‌ها را با خطر تضعیف و سقوط مواجه می‌کند و به همین دلیل ترجیح می‌دهند تا با ممانعت از اصلاحات سیاسی در بحرین، نطفه این حرکت فراگیر را در همان بحرین خشک کنند و اجازه ندهند که این خطر به کشورهای خودشان نیز سرایت کند. بر این اساس است که می‌توان شاهد اقدامات سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی این کشورها در حمایت از آل‌خلیفه و مخالفت جدی با انجام هرگونه اصلاحات در بحرین بود. در این میان عربستان سعودی به دلیل پیوند بسیار نزدیک و نفوذی که بر حکومت آل‌خلیفه دارد توانسته است نقش مهم‌تری را در حمایت از رژیم حکومتی بحرین ایفا کند.

بحرین دارای روابط ویژه‌ای با عربستان سعودی است. خاندان آل‌خلیفه در بحرین، در اصل از قبایل ساکن نجد واقع در عربستان سعودی هستند. همچنین پیوند سببی آل‌خلیفه با آل سعود (ازدواج شیخ حمد بن عیسی، پادشاه بحرین، با دختر امیر عبدالله بن عبدالعزیز آل سعود، ولیعهد عربستان سعودی) این مناسبات را به اوج خود رسانیده است. مناسبات ویژه موجود بین دو کشور، کمک‌های بلاعوض عربستان سعودی به بحرین و افزایش سهم نفتی بحرین در حوزه مشترک نفتی ابوسفغه باعث شده تا بحرین در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی، دنباله رو سیاست عربستان سعودی باشد. قراردادهای همکاری امنیتی بحرین با عربستان سعودی و همفکری‌های نزدیک دو کشور در مجامع بین‌المللی و به خصوص در شورای همکاری خلیج فارس نیز قابل توجه است. (کتاب سبز بحرین، ۱۳۸۸: ۱۷۲ و ۱۷۳) هم‌جواری استان قطیف عربستان سعودی با بحرین که منطقه‌ای شیعه‌نشین است و منابع عظیم نفتی را در خود جای داده، این ترس را به وجود آورده است که اگر اعتراضات مردمی در بحرین به نتیجه برسد، بعد از آن نوبت به عربستان می‌رسد و این دلیل واضحی است برای هرگونه دخالت در مسئله بحرین. (برزگر، ۱۳۹۰)

در شورای همکاری خلیج فارس، بحرین تنها دولتی است که به نوعی متحد ویژه عربستان بوده و همواره به عربستان به عنوان برادر بزرگ‌تر نگریسته است. برخلاف قطر و امارات که همواره رهبری هژمونیک عربستان را به چالش کشیده‌اند و عمان نیز همواره سیاست مستقلی را اتخاذ کرده است، تنها بحرین و در مواقعی کویت، همراهی خود را با سیاست‌های عربستان نشان داده‌اند. همه کشورهای عربی، کمابیش در برابر خیزش مردم بحرین که اکثریت این جمعیت شیعیان هستند موضع مخالف گرفتند؛ حتی همان‌ها که گاه با ناراضیان در کشورهایی چون لیبی یا یمن، همدلی نشان دادند. در روزهای پایانی ژوئن ۲۰۱۱، کویت دو تن از شهروندان خود را به بهانه خرده‌گیری از خاندان حاکم در بحرین، آن هم در «توییتر» (Twitter)، تهدید به محاکمه کرد.

عربستان و امارات که به کمک دولت بحرین شتافتند و کویت هم با نیروی دریایی خود به یاری‌رسانی پرداخت. (حمیدی، ۱۳۹۰: ۴۷)

عملکرد نادرست سیستم حکومتی بحرین، اعمال تبعیض و نابرابری و توجه نکردن حکومت به مطالبات مشروع شهروندان، منجر به بروز اعتراضات گسترده مردم مسلمان بحرین، اعم از شیعه و سنی در فضای بهار عربی و خیزش‌های مردمی که متأثر از بیداری اسلامی است، شد. در این بین، بحرین به دلیل برخوردار بودن از بیش از هفتاد درصد ترکیب جمعیتی شیعه، مورد هجوم نظامی عربستان سعودی و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس با پوشش نیروهای سپر جزیره قرار گرفت. برخی حاکمان سعودی و کشورهای عربی، تلاش کردند با ایجاد درگیری فرقه‌ای و اختلاف شیعه و سنی، مطالبات مردم بحرین را با ترکیبی از روش‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سرکوب کنند. (امیر عبداللهیان، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

عربستان و دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، با توجه به داشتن بافت سیاسی مشابه و تقریباً یکسان با بحرین، می‌دانند که انجام اصلاحات در بحرین موجب می‌شود از یک طرف مردم کشورهای آن‌ها نیز خواستار آزادی و دموکراسی شوند و از طرف دیگر ترس از دست دادن متحدی مانند رژیم آل‌خلیفه نیز باعث شده است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و در رأس آن‌ها عربستان، تمام تلاش خود را برای همسویی با آل‌خلیفه برای انجام نشدن اصلاحات سیاسی- اجتماعی واقعی در بحرین معطوف دارند.

امریکا

اهداف امریکا در خلیج فارس همواره بر دو محور امنیت و نفت استوار بوده است. امنیت به معنای حمایت از متحدان منطقه‌ای، مقابله با کشورهای غیرهمسو با سیاست‌های امریکا و تأمین امنیت مسیرهای انتقال انرژی است. محور دیگر اهداف امریکا در خلیج فارس دسترسی به منابع انرژی و اطمینان از تأمین آن برای آینده است. (واعظی، ۱۳۸۹: ۶۲) این دو هدف امریکا در خلیج فارس (امنیت و نفت) به طور کامل در رابطه امریکا و بحرین و جهت‌گیری امریکا در برابر اعتراضات مردمی بحرین در سه سال اخیر مشهود و قابل اثبات است.

بحرین یکی از قدیمی‌ترین کشورهای عربی است که همکاری‌های نظامی خود را با امریکا آغاز کرد. بحرین و امریکا در سال (۱۹۷۱) میلادی توافق‌نامه نظامی مشترکی امضا کردند که بر اساس آن زمینی به مساحت ۴۰ کیلومترمربع در اختیار امریکایی‌ها قرار گرفت. در ژوئیه (۱۹۷۳) توافق‌نامه اخیر دوباره در دستور کار دو کشور امریکا و بحرین قرار گرفت و در ۳۰ ژوئن (۱۹۷۷) به توافق‌نامه دیگری تغییر کرد. بر اساس توافق‌نامه جدید، نیروی دریایی امریکا از تسهیلات گسترده‌ای در بندر سلمان بحرین برخوردار می‌شود. همچنین از سال (۱۹۹۳) نیز فرماندهی منطقه‌ای نیروی دریایی امریکا در بحرین مستقر شد و ژوئیه (۱۹۹۵) هم بحرین میزبان «ناوگان پنجم دریایی امریکا» (United States Fifth Fleet) شد. (اخوان، ۱۳۸۹)

تأثیر واقعه ۱۱ سپتامبر در کشور بحرین حائز اهمیت است، زیرا بحرین به مرکز عمده استقرار نیروهای امریکایی در منطقه تبدیل شد. تا جایی که امریکا برای حمله به عراق از این کشور کمک گرفت. (یونسین، ۱۳۸۴: ۵۸) بعد از اینکه عربستان به نیروهای نظامی امریکا اجازه نداد که از خاک این کشور برای سرنگونی صدام استفاده کنند، واشنگتن تصمیم گرفت تا سربازان خود را به کشور دیگری در منطقه خلیج فارس منتقل کند. در این بین برای ایجاد و برقراری پایگاه‌های نظامی، کشور بحرین برگزیده شد، چون این کشور فاصله کمی با شبه‌جزیره عربستان دارد و در مقایسه با امارات متحده عربی، کویت و حتی قطر از ثبات بیشتری برخوردار بوده است. (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۴)

از اواسط دهه ۱۹۹۰، امریکا در راستای تحولات پس از ۱۱ سپتامبر و طرح خاورمیانه بزرگ، به نوعی تقسیم کار در منطقه مبادرت ورزیده که در این میان، بحرین به عنوان مرکز مالی-بانکی منطقه عمل می‌کند، به نحوی که بالغ بر ۲۰۰۰ شعبه بانک داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه بانکداری فعال بوده است و همچنین حدود ۹۰ شعبه بیمه منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه صنعت بیمه فعالیت می‌کنند. (امیر عبداللهیان، ۱۳۹۰: ۱۵۳) امریکا از نظر همکاری‌های بازرگانی با بحرین مقام اول را در بین کشورها به دست آورده است. امضای موافقت‌نامه تجارت آزاد بین بحرین و امریکا فصل جدیدی از روابط اقتصادی دو کشور را گشوده است و بر اساس گفته‌های مسئولان اقتصادی دو کشور موجب افزایش چشمگیر در تبادل تجاری فیمابین شده است. (کتاب سبز بحرین، ۱۳۸۸: ۱۷۳)

موضع امریکا در قبال بحرین، سکوت و حمایت ضمنی از رژیم آل‌خلیفه و دخالت نظامی عربستان و امارات در این کشور است. هیلاری کلینتون در روزهای پس از مداخله عربستان در بحرین از حق قانونی و حاکمیتی دولت این کشور برای دعوت از دولت‌های شورای همکاری خلیج فارس برای مداخله در بحرین سخن راند، درحالی‌که حداقل این انتظار از امریکا می‌رفت که با وجود ژست‌های حقوق بشری و دموکراسی‌خواهی این کشور در عرصه جهانی، مداخله برای سرکوب جنبش مردمی را از طرف کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس محکوم کند. (ابراهیمی، صالحی، پارسایی، ۱۳۹۱: ۱۲۲) این برخورد مغرضانه امریکا در قبال انقلاب بحرین، در حالی صورت می‌گیرد که مردم امریکا موافقت خود را با انقلاب‌های عربی اعلام کرده‌اند و ۵۷ درصد از مردم این کشور در نظرسنجی‌ها گفته‌اند که موافق این انقلاب‌ها هستند، حتی اگر دولت برآمده از انقلاب متعهد به منافع امریکا نباشد. با این حساب، رویکرد دولت امریکا در قبال بحرین را باید مخالف با افکار عمومی جامعه امریکا دانست. (نقض حقوق بشر در بحرین و نقش آمریکا، ۱۳۹۱)

مواردی که در مورد رابطه امریکا و بحرین ذکر شد نشان‌دهنده نزدیکی بسیار زیاد و استراتژیک میان این دو حکومت است، با توجه به منافی که امریکا در بحرین دارد مهم‌ترین

مسئله را حفظ حکومت آل خلیفه می‌داند چون با توجه به اکثریت شیعه مذهب مردم بحرین، این پتانسیل وجود دارد که در صورت سرنگونی حکومت آل خلیفه، حکومتی شیعه مذهب به وجود آمده و در تضاد با منافع امریکا قرار گیرد. به همین دلیل است که امریکا علی‌رغم ژست حقوق بشری و طرفداری از حقوق بشر و اصلاحات سیاسی، در مورد بحرین به ظاهر علاقه خود را نسبت به اصلاحات نشان می‌دهد، ولی این طرفداری از اصلاحات، بیشتر به دلیل ژست دموکراسی خواهی و تا جایی است که کوچک‌ترین آسیبی به حکومت آل خلیفه وارد نشود.

نتیجه‌گیری

انجام اصلاحات سیاسی در یک کشور محتاج به وجود آمدن و رشد زیرساخت‌های لازم برای رسیدن به ساختاری بر پایه رأی و نظر اکثریت است. کشور بحرین از زمان استقلال در سال ۱۹۷۱ و چندین دهه قبل از آن، تحت سلطه آل خلیفه بوده است که برخلاف رضایت مردم این سرزمین و با حمایت انگلستان و استفاده از زور حکومت کرده است. حکمرانان آل خلیفه در اکثر مواقع در مقابل درخواست‌های مردم برای اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی، دست به خشونت و سرکوب زده است. با به قدرت رسیدن شیخ سلمان بن عیسی آل خلیفه در سال ۱۹۹۹، انتظار اصلاح امور می‌رفت، ولی اصلاحات جزئی و وعده‌ها ظاهری بود، زیرا از سال ۲۰۱۱ خواسته‌های معتدل مردم به اعتراضاتی گسترده و دامنه‌دار تبدیل شده است. عوامل مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در موفق نبودن یا موفقیت اصلاحات در بحرین دخیل هستند. کشور بحرین تحت سلطه مطلق رژیم آل خلیفه با سیستم بسته و متصلب سیاسی قرار دارد که حاضر نیست مردم را در اداره واقعی امور سهیم کند. از سوی دیگر آل خلیفه سنی مذهب دارای اقلیت جمعیتی در مقابل اکثریت جمعیتی شیعیان است. شیعیان علی‌رغم اکثریت عددی، از لحاظ سیاسی و اجتماعی دارای شرایط سختی هستند و اجازه دخالت و مشارکت در مسائل مهم کشور را ندارند و وضعیت سختی را سپری می‌کنند. همین مسئله باعث به وجود آمدن شکاف فرقه‌ای در بحرین شده است و حاکمان بحرین انجام هرگونه اصلاحات را که منجر به قدرت گرفتن شیعیان بشود سرآغاز سقوط خود می‌دانند. از لحاظ منطقه‌ای نیز نقش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و در رأس آن‌ها عربستان، بسیار مهم است. این کشورها با توجه به رابطه نزدیک با بحرین و همچنین بافت سیاسی تقریباً یکسان و مشابهی که با کشور بحرین دارند، می‌دانند که انجام اصلاحات در بحرین و تمکین به خواسته‌های مردم این کشور توسط آل خلیفه باعث خواهد شد که دیر یا زود مردم کشورهای آن‌ها نیز دست به اعتراض زده، سیستم پوسیده کشورداری آن‌ها نیز دچار چالش و تزلزل شود.

در سطح بین‌المللی نیز نقش امریکا بسیار مهم است؛ امریکا علی‌رغم اینکه گاهی در ظاهر علاقه خود را به انجام اصلاحات و تمکین از رأی مردم توسط حاکمان بحرین اظهار می‌دارد، ولی مشخص است که مطرح کردن این مسائل برای حفظ ظاهر است و امریکا به دلیل اتحاد

بسیار نزدیک با حکومت آل خلیفه که یکی از متحدان استراتژیک برای آن‌ها محسوب می‌شود، وجود پایگاه پنجم دریایی امریکا در بحرین و ترس از اینکه تمکین به خواسته‌های مردم بحرین باعث تضعیف یا سقوط آل خلیفه شود و حکومتی با گرایش شیعی به قدرت برسد که در جبهه مقابل امریکا و غرب قرار گیرد، هیچ‌گاه به حکومت بحرین برای انجام اصلاحات واقعی فشار نیاورده است. با توجه به اینکه رژیم آل خلیفه حاضر به دادن امتیاز و محقق کردن خواسته‌های مردم نیست و قیام‌کنندگان نیز حاضر به کوتاه آمدن در مقابل حکومت نیستند، روزبه‌روز شکاف میان حکومت و مردم بیشتر شده است و مردم بحرین که در آغاز خواستار انجام اصلاحات بودند هم‌اکنون در حالت انقلابی قرار گرفته‌اند، اما با توجه به اینکه رژیم آل خلیفه تا بن دندان مسلح و از حمایت‌های متحدان خارجی خود برخوردار است، به نظر نمی‌رسد در کوتاه‌مدت تسلیم خواسته‌های مردم شده یا سرنگون شود. از طرف دیگر نیز مردم بحرین از لحاظ روانی و ذهنی کاملاً از حکومت گسسته‌اند و هر روز که می‌گذرد حالت انقلابی آن‌ها شدیدتر می‌شود، ولی با توجه به شرایطی که به آن‌ها اشاره شد در وضعیتی قرار ندارند که بتوانند در کوتاه‌مدت خواسته‌های خود را بر حکومت تحمیل کرده، بر آن فائق آیند. با توجه به شرایط موجود باید منتظر ماند و دید که در میان‌مدت، شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی چه سرنوشتی را برای طرفین در این راه برگشت‌ناپذیر رقم خواهد زد.

فهرست منابع

۱. آدمی، علی، (۱۳۹۱)، «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۱۶۸-۱۴۱.
۲. ابراهیمی، شهروز؛ صالحی، محمدرضا؛ پارسایی، مهدی، (۱۳۹۱)، «بررسی واکنش‌های امریکا و عربستان به خیزش مردمی در بحرین (۲۰۱۱-۲۰۱۲)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره ۱۰، صص ۱۱۱-۱۴۰.
۳. امیر عبداللہیان، حسین، (۱۳۹۰)، «ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره دوم تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۱۳۵-۱۵۷.
۴. بحرانی، مرتضی، (۱۳۸۱)، جنبش‌های سیاسی- اجتماعی بحرین، تهران: مؤسسه اندیشه- سازان نور.
۵. برزگر، کیهان «ایران و حوادث بحرین»، خبر آنلاین ۱۶ / ۱ / ۱۳۹۰؛ کد مطلب ۱۴۱۰۲۶.
۶. بشیریه، حسین، ۱۳۸۲، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، تهران: مؤسسه نگاه معاصر.
۷. حمیدی، محمد محسن، (۱۳۹۰)، «ناآرامی در بحرین؛ درخواست اصلاحات یا انقلاب؟»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۸۴، تهران، موسسه اطلاعات، صص ۴۴-۵۳.
۸. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، ۱۳۸۸، کتاب سبز بحرین، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۹. دکمجان، هرایر، (۱۳۸۳)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر کیهان، چاپ چهارم.
۱۰. الزیدی، مفید، (۱۳۸۲)، «نشانه‌های تحول دموکراتیک در بحرین: از امیر نشین به پادشاهی مشروطه»، ترجمه عبدالرضا همدانی، علوم سیاسی، مطالعات خاورمیانه، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، صص ۲۳ - ۳۷.
۱۱. سدیدالسلطنه، محمدعلی خان، ۱۳۷۹، تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آن‌ها با ایران، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۱۲. فاتحی، محمد، (۱۳۹۰)، «بررسی سوابق تاریخی و ریشه‌های قیام‌های مردمی در بحرین»، فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۳۳، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۱۳. فاضلی‌نیا، نفیسه، (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از جمهوری اسلامی ایران، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.

۱۴. قوام، سید عبدالعلی، (۱۳۷۰)، «درآمدی بر (رفرم) و (انقلاب)»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۹ و ۵۰، تهران، موسسه اطلاعات، صص ۹ - ۱۳.
۱۵. کوشکی، محمدصادق؛ ناظرپور، مریم، (۱۳۸۹)، «بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، شماره پنجم، صص ۱۵۳ - ۱۷۵.
۱۶. متقی‌زاده، زینب، (۱۳۸۴)، *جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس*، قم: موسسه شیعه‌شناسی.
۱۷. مور، برینگتن، (۱۳۶۹)، *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: مرکز نشر جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
۱۸. موسوی، سید فضل‌الله؛ سادات میرمحمدی، معصومه، (۱۳۸۹)، «بررسی جنایت تعقیب و آزار در پرتو وقایع اخیر بحرین»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳، تهران: مرکز امور حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، صص ۸۷ - ۱۲۲.
۱۹. بی‌نا، (۱۰ بهمن ۱۳۹۱)، «نقض حقوق بشر در بحرین و نقش آمریکا» در www.asipress.ir/vdcjhhev.uqeimzsfu.html
۲۰. اخوان، محمد جواد، (۱۳۸۹/۱۲/۲۲)، «بحرین در گذر رهایی (۶)»، در www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=599
۲۱. بی‌نا، (آبان ۱۳۸۶)، «شیعیان بحرین اکثریت خاموش»، در www.hawzeh.net/fa/magazine/magart/5658/5700/56379
۲۲. خبرنامه دانشجویان ایران، (۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۱)، «با "ویژگی‌های خاص" بحرین بیشتر آشنا شوید»، در www.shia-news.com/fa/news/34839
۲۳. واعظی، محمود، (۸۳۸۹)، «شورای همکاری خلیج فارس و قدرت‌های غربی: تداوم و تغییر در حوزه‌های تعامل»، پژوهش‌نامه سیاست خارجی، شماره ۲۸، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صص ۵۱ - ۹۲.
۲۴. هاشمی‌نسب، سید سعید، (۱۳۸۹)، «بحران بحرین»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، قم، جامعه المصطفی‌العالمیه.
۲۵. هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دست‌خوش دگرگونی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم، چاپ اول.
۲۶. هیوود، اندرو، (۱۳۸۸)، *مقدمه نظریه سیاسی*، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران: نشر قومس، چاپ دوم.
۲۷. یونسیان، مجید، (۱۳۸۴)، *کتاب خاورمیانه (ویژه اصلاحات در خاورمیانه)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.